

Protection of the rights of minorities in the Iraqi Kurdistan region

Abstract

During these recent years, the population of the Kurdistan region has increased every year and the national and ethnic structure in the Kurdistan region has diversified and multiplied, including a) Kurds as the majority, b) Turkmen, c) Syrian, d) Armenians and e) Other groups. After the establishment of the Kurdistan Regional Government in ۱۹۹۲ as a structure and later recognized by the ۲۰۰۵ Iraqi Constitution as a region and state, the rights of minorities were considered as a political and legal issue. This article aims to examine the protection of the rights of minorities in the Iraqi Kurdistan region and seeks to answer the question: What is the legal status of the protection of the rights of minorities in the Iraqi Kurdistan region? This study follows the descriptive and analytical method of the hypothesis that the Kurdistan Parliament in order to protect and guarantee the political, civil, social, cultural and economic rights of minorities and to ensure the spirit of peaceful coexistence and respect and peace among the citizens of Kurdistan Region No. ۵ of ۲۰۱۵ relates to the Law on the Protection of the Rights of Minorities in Iraqi Kurdistan, which consists of three sections and nine articles. The findings of the study indicate that it has been recognized in terms of multiculturalism in the Kurdistan region and the laws of Iraq, and this issue has been considered in the religious, national and linguistic fields.

Keywords: Iraqi Kurdistan, minority rights, Human Rights

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره پنجم، مرداد ۱۴۰۱، صص ۵۹۱-۵۷۷

حمایت از حقوق اقلیتها در اقلیم کردستان عراق

هیمن قاسم بایز^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰

عباد روحی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰

ارکان شریفی^۳

چکیده

در طول این سالهای اخیر تعداد جمعیت اقلیم کردستان هر سال افزوده شده و ساختار ملی و قومی در اقلیم کردستان متنوع شده و متکثر گردیده است (که شامل الف) کردها به عنوان اکثریت، ب) ترکمن، ج) سریان، د) ارمنی و ه) دیگر گروه‌ها می‌باشد. پس از تأسیس حکومت اقلیم کردستان از سال ۱۹۹۲ به عنوان یک ساختار و بعدها نیز بر اساس قانون اساسی ۲۰۰۵ عراق به عنوان یک اقلیم و ایالت به رسمیت شناخته شده، حقوق اقلیتها به عنوان یک مسأله سیاسی و حقوقی مورد توجه قرار گرفت. این مقاله با هدف بررسی حمایت از حقوق اقلیتها در اقلیم کردستان عراق می‌باشد و در پی پاسخ به این پرسش است جایگاه قانونی حمایت از حقوق اقلیت‌های اقلیم کردستان عراق چگونه می‌باشد؟ این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی به دنبال این فرضیه بوده که پارلمان کردستان در راستای حمایت و تضمین حقوق سیاسی و مدنی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی اقلیتها و برای تضمین روح همزیستی مسالمت آمیز و احترام و صلح میان شهروندان اقلیم کردستان اقدام به وضع قانون شماره ۵ سال ۲۰۱۵ مربوط به قانون حمایت حقوق اقلیتهای کردستان عراق نموده است که از سه بخش و نه ماده تشکیل شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که با توجه به چند فرهنگی در اقلیم کردستان و قوانین عراق به رسمیت شناخته شده است و در حوزه دینی و مذهبی و ملی و زبانی این موضوع مدنظر قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: اقلیم کردستان عراق، حقوق اقلیتها، حقوق بشر

^۱گروه حقوق، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

Email: Hemnqasm14@gmail.com

^۲گروه حقوق، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)

Email: ebadrouhi@iausdj.ac.ir

^۳گروه حقوق، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

Email: arkansharifi@gmail.com

بر اساس دیدگاه بارتن^۱ اقلیت عبارت است از مجموعه ای گروه نژادی، اقلیمی، دینی، مذهبی یا فرهنگی که دارای هویتی مختص به خود می باشند که در چهارچوب گروه یا جامعه ای دیگر که مقیاس وسیعتری دارند قرار گرفته اند. اقلیتها، گروههای هستند که احساس این را دارند که تحت ظلم قرار گرفته و میان آنها با گروههای اجتماعی بزرگتر دیگری که در آن قرار گرفته اند تبعیض وجود داشته و گروه بزرگتر دارای قدرت و اختیار و سلطه بوده و از قدرت تصمیم گیری برخوردار هستند. همیشه ناقلیتها به مثابه مردمانی متفاوت و بیگانه و تجزیه طلب تلقی شده و به همین دلیل در بیشتر اوقات از طریق اکثریت جامعه یا اکثریت غالب در کشور با ظلم و تعدی و به حاشیه راندن مواجه شده و از معادلات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور کنار گذاشته می شوند. همچنین اقلیتها خواه اقلیت اجتماعی، سیاسی، مذهبی، یا نژادی باشد و یا هر اقلیت دیگری حس به حاشیه رانده شدن از لحاظ سیاسی و اقتصادی و اجتماعی به آنها دست می دهد. اقلیتها به اطر ویژگی های فرهنگی و تفاوت زبان و آداب و رسوم و ارزشهای عمومی و حتی از لحاظ پوشش لباس نیز قابل شناسایی هستند (Ulrike Barten: ۲۰۱۵: ۱۷۱-۱۷۲).

دیدگاه غالبی وجود دارد که خاورمیانه را عبارت می داند از منطقه ای خشک که محل سکونت عرب می باشد اما کمتر کسی این را درک می کند که خاورمیانه منطقه ای است مملو از تفاوت و چندفرهنگی. این منطقه آشوری، کرد، مسیحی، قفقازی، مینونی، ترک، ارمنی، دروزی، یهودی شرقی و فرهنگهای دیگری را در خود جای داده است. بنابراین خاورمانه به جای یک نژاد و یک زبان و یک دین، تعداد زیادی از گروهها و مردمان متفاوت را در خود جای داده است. همچنین این پهنه های گروهی و فرهنگی به صورت متناوب و متوالی همیشه در حال تغییر هستند و بر پایه مرزهای ساختگی ملی در حال تقسیم بندی است. (دیوید اندروس ۲۰۰۹: ۷). کردها جمعیت دوم عراق از لحاظ تعداد می باشند و بر اساس آماری که در سال ۱۹۲۰ منتشر گردیده است جمعیت عراق حدود ۲۸۴۹۲۸۲ نفر بوده که از این تعداد حدود ۶۰۰۰۰۰ نفر کرد بوده اند. با این وجود مورخین کرد در آن دوره تعداد کردها را بیشتر از یک میلیون نفر تخمین می زدند. چرا که در این آمار تعداد کردهای کوچ نشین را لحاظ نکرده بودند. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و بر اساس اقلیتها و فرهنگهای اقلیم کردستان که شامل اقلیتهای ملی، مذهبی و دینی و زبانی و نژادی و فرهنگی هستند که در قوانین مختلفی در اقلیم کردستان عراق مورد توجه قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده اند، به بررسی این قوانین می پردازد.

۱- اقلیم کردستان عراق

^۱. Barten

پس از ایجاد دولت عراق بعد از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۲۱ نقشه جغرافیای عراق تثبیت و پایدار شد اما دیری نپایید که در سال ۱۹۶۱، در مناطق کردنشین، قیام شروع شد و منطقه بزرگی از تحت اختیار دولت مرکزی خارج شد. بنابراین توازن و ثباتی که در جغرافیای سیاسی عراق وجود داشت دستخوش تغییر شد و اوضاع تا سال ۲۰۰۳ که آمریکا چندین بار به عراق حمله کرد رو به وخامت گذاشت و در سال ۲۰۰۵ بر اساس قانون اساسی جدید عراق، منطقه اقلیم کردستان تشکیل شد که منطقه ای فدرال در داخل عراق می باشد.

۱-۱- اقلیم

تعاریف مختلفی در مورد منطقه (اقلیم فدرال) ارائه شده است: مکزی^۲ منطقه را این گونه تعریف می کند که یک واحد جغرافیایی می باشد که در آن وضعیت اجتماعی و اقتصادی ساکنان آن تثبیت شده است و در کنار یک مرکز اقتصادی و مدیریتی و اداری واقع شده است. (شاکر حسبام ۱۹۸۳: ۲۲۵).

منطقه عبارت است از پهنه ی جغرافیایی گسترده که به نوعی شباهت محلی در آن دیده می شود. صرفنظر از همه ابعاد مهم اطراف آن، امکان این وجود دارد که منطقه در میان مناطقی دیگر قرار گیرد یا در میان چند بخش از مناطق دیگر واقع شود. (جیزه ۱۹۶۴: ۲۴). گفته می شود که منطقه عبارت است از یک واحد ممتاز مشخص که دارای ساختار خاص خود می باشد. (هارتسون ۱۹۸۵: ۷۰). در توصیف دیگری از منطقه اینگونه تعریف شده است که به یک واحد جغرافیایی دارای مساحت معینی گفته می شود که دارای مجموعه ای از ویژگی های طبیعی و انسانی می باشد. هویت ویژه جغرافیایی دارد که بر اساس آن از مناطق همجوار متمایز می گردد. (احمد رفیق ۲۰۱۴: ۱۹).

واژه منطقه، به معنای یک ولایت یا ایالت نیز می باشد که برای تقسیم بندی های اداری نیز از آن استفاده می شود. هر منطقه ای دارای مرزهای مشخص و پایتخت خاص خود می باشد که این پایتخت از سایر مراکز و شهرهای دیگر آن بزرگتر و با اهمیت تر می باشد. (علی وردی ۲۰۱۹: ۱۴۹). در یک تعریف دیگر منطقه عبارت است از پهنه ای جغرافیایی یا یک گستره قلمرو خاکی و آبی که فقط دولت بر آن حاکمیت دارد. بنابراین منطقه عبارت است از یک رکن اصلی و اساسی و حیاتی برای پایه گذاری دولت. بنابراین بدو وجود خاک و قلمرو به عنوان یک منطقه وجود دولت منتفی خواهد شد. (داود مراد حسین الداودی ۲۰۱۳: ۳۰).

۲-۱- کردستان

اگرچه نویی سندگان و پژوه شگران تعاریف مختلفی را برای کرد ستان ارائه داده اند، اما همه آنها در محتوا و هدف یک منظور را دنبال کرده اند و آن هم پیوند یک ملت با یک قلمرو جغرافیایی می باشد. اما نقطه تفاوت میان آنها در تعیین مرزهای سیاسی این

^۲ . R.D.Mckenzi .

واحد جغرافیایی می باشد که آن هم از ریشه های سیاسی و عدم آگاهی و گاهی نیز تعصبات قومی و مذهبی سرچشمه می گیرد. واژه کردستان یک اسم ترکیبی است از دو واژه به شرح زیر:

۱- کرد: عبارت است از یک گروه قومی که به گروه هندو - ایرانی ها بر می گردد و به خانواده هیندواروپایی ها پیوند می خورند که در دوره های قبل تاریخ به کوهستانهای زاگرس و توروس و نواحی پیرامون آن وارد شده اند و یکی از ساکنان کهن آن مناطق می باشند.

۲- ستان: به معنای مکان و محل می باشد.

۳- کردستان: چند تعریف برای آن ارائه شده است. به معنای سرزمین کردها می باشد. کردستان با مرزهای طبیعی خود از ابتدای تاریخ سرزمین کردها بوده است. (علی وردی ۲۰۱۹: ۱۴۸). در یک تعریف دیگر، کردستان عبارت است از سرزمینی که کردها در آن ساکن هستند و با اقلیت های دیگر در آن در طول تاریخ با هم زیسته اند. (جلال طالبانی ۱۹۷۱: ۳۸) در یک تعریف دیگر، کردستان عبارت است از محل زندگی کردها (نوشیروان مصطفی ۲۰۰۵: ۵) در جای دیگری کردستان به معنای نژاد آن سرزمینی است که کردها در آن زندگی می کنند اما مرزهای جغرافیایی این واژه گاهی با ابعاد نژادی آن تنظیم نشده است (شاکر خسبک ۱۹۶: ۲۱) و در سال ۱۹۲۵ بر اساس قطعنامه جامعه ملل می بایست یک منطقه خودمختار برای کردها عراق تعیین می گردید که این قطعنامه از جانب حکومت عبدالرحمن قاسم در ۲۷ اوت ۱۹۵۸ در ماده سوم اعلام شده است که کردها و عربها در این کشور شریک هستند. این ریاست عبدالکریم قاسم در ۲۷ اوت ۱۹۵۸ در ماده سوم اعلام شده است که کردها و عربها در این کشور شریک هستند. این موضوع به نوعی به رسمیت شناختن شراکت کردها در خاک عراق می باشد. به عبارتی دیگر، کردها با یک قلمرو سرزمینی در عراق شریک هستند که به عنوان کردستان شناسایی شده است. همچنین لازاریف می گوید: کردستان (سرزمین کردها)، سرزمین تاریخی ملت کرد می باشد که مرزهای جغرافیایی تعیین شده ای ندارد. جنگ و اشغالگری و کوچ اجباری نقشه آن را تغییر داده است. سرزمینی است که کردها بخش مهم و اساسی ساکنان آن را تشکیل می دهند. همچنین در کتاب کرد و کردستان می گوید که کردها در منطقه وسیعی در جنوب غربی آسیا که تحت عنوان کردستان از آن یاد می شود زندگی می کنند. واژه کردستان فقط یک مفهوم جغرافیایی قومی است چون که نه در گذشته و نه در حال حاضر نیز دولتی به نام کردستان وجود نداشته و در عین حال به عنوان سرزمینی در طول قرنها وجود داشته است. ژویس بلو می گوید: کردستان، یعنی سرزمین کردها و این سرزمین در قلب خاورمیانه می باشد. به عبارتی دیگر کردستان شامل یک مفهوم جغرافیایی و ملی و سیاسی می باشد که در قلب خاورمیانه قرار گرفته است و ملت کرد با اقلیتهای دیگری در آن زندگی می کنند. در نقشه سیاسی بین المللی مرزهای سیاسی رسمی ندارد و به چهار قسمت در قلمرو کشورهای دیگری در منطقه تقسیم شده است. حلقه ارتباطی سرزمین و مردمان فارس، ترک، ارمنی و عرب می باشد. (احمد رفیق ۲۰۱۴: ۲۴).

بعد از این تو صیغ می توان گفت که کردستان، به عبارتی کردلانند می باشد. کرد یعنی ملت کرد و ستان نیز یعنی مکان و محل. بنابراین می توان به جای واژه ستان می توان واژه لاند را به کار برد. چون سرزمینی است که متعلق به کردها می باشد و با اقلیتهای دیگر در طول تاریخ در آن زیسته اند.

۳-۱- اقلیم کردستان / عراق

آن بخش از خاک کردستان که در عراق واقع شده است و به اقلیم کردستان عراق شناخته است همیشه محل تنش ها و منازعات میان ابرقدرتها بوده در این میان کردها دچار فلاکت و آوارگی و استثمار و قتل عام شده اند. بنابراین ناچار شدند که مقاومت بکنند و از خود دفاع بکنند و در این میان چند ناحیه را در جنوب کردستان به عنوان امارت تأسیس کردند و قدرتهای تا حدودی نیمه مستقل را ایجاد کردند اما همیشه تحت سیطره نیروهای دیگر بوده اند و گاهی نیز ای امارتها توسط نیروهای اشغالگر از بین برده شده اند و و غارتگری و قتل و عام صوت گرفته است.

بعد از جنگ جهانی اول و عقب نشینی نیروهای عثمانی و اشغال عراق توسط نیروهای بریتانیا، کردهای این منطقه درخواست استقلال کردند اما بریتانیا این درخواست را به رسمیت نشناخت و با نیروهای نظامی به شهرها و روستاها حمله کرد و با توسل به زور کردستان را تصرف نمود و با آن را ضمیمه خاک عراق نمود. بعد از تأسیس عراق جدید در سال ۱۹۲۰ مقرر گردید که حقوق کردها و دیگر اقلیتها به رسمیت شناخته شود و مورد حمایت واقع شود اما این تعهد هیچ گاه جامه عمل به خود نپوشید و هر گاه هم کردها قصد اعمال حق تعیین سرنوشت خود را داشته اند با آنها به عنوان مجرم و ابزار سیاستهای خارجی نگریسته شده و برخورد شده است.

کردها در این منطقه از کردستان، بیشتر مسیر دیالوگ و صلح را برگزیده و برای دستیابی به حقوق خود گاهی نیز ناچار شده اند که راه مسلحانه را در پیش بگیرند و در مقابل هجوم دیگران به مناطق خود، از خود دفاع بکنند.

در سالهای بعد تعداد زیادی از اشخاص و سیاستمداران کرد شروع به نامه نگاریهایی با وزارت خارجه امریکا در تاریخ ۱۹۴۵/۰۳/۲۲ نمودند و به وضعیتی اشاره کردند که کردها در آن گرفتار شده بودند و نقض های فاحش حقوق که از جانب عراق علیه کردها اتفاق می افتاد. در همین راستا سازمانهای مدنی و سیاسیون کرد چندین نامه را هم به حکومت عراق، بریتانیا و جامعه ملل و بعدها سازمان ملل متحد و اتحاد جماهیر شوروی نوشتند و موارد مشابهی را یادآور شدند اما همه این تلاشها بی نتیجه بود تا اینکه کردها ناچار شدند در سال ۱۹۶۱ به اسلحه پناه ببرد و از خود و حق های انکار شده اش دفاع کند و در سال ۱۹۷۰ در نهایت دولت عراق مجبور شد حقوق ملت کرد را به رسمیت بشناسد و در چهارچوب خودمختاری و یک ساختار اتونومی آن را اعلام کند. اما در سال ۱۹۷۴ دوباره حکومت عراق با توسل به زور مجدداً به مناطق کردستان حمله نمود و هزاران شهروند کرد مجبور به کوچ اجباری به جنوب و مرکز عراق شدن و شهرها و روستاها را ویران کردند. اما بعدها مقاومت کردها و قیام آنها از سرگرفته شد و اینکه در سال ۱۹۹۱ و بعد از قیام سراسری مردم عراق و کردها، این کردها بودند که توانستند مناطق وسیعی از جغرافیای خود را آزاد کنند (دیوید اندروس ۲۰۰۹: ۱۷-۱۱). پس از انتخابات پارلمان، حکومت منطقه ای کردستان تأسیس شد و اراده آزاد ملت کرد در کردستان در ۱۹۹۲/۱۰/۴ در نهایت منجر به این شد که به نوعی فدرالیسم در عراق واحد اعلام شود و اینکه در آینده بر همین مبنا یک عراق دموکراتیک و آزادانه و داوطلبانه میان عراقیها ایجاد شود.

نگرش کردها به انتخاب نظام فدرالی در مورد دولت عراق و آینده آن در آن روزها نشان از واقع گرایی مردم کرد داشت و برای اینکه بتوانند از طرفی استقلال سیاسی خود را حفظ بکنند و از طرفی نیز تمایمات خاک عراق حفظ شود این رویکرد را اتخاذ نموده بودند. این رویکرد منجر به توازن قوا در عراق می شد. (شمال عبدالله ۲۰۰۵: ۱۲-۱۰).

این طرز تلقی کردها با این روش نه تنها برای مردم کرد بلکه برای همه عراقیها دارای دستاورد بوده و منجر به تأسیس یک عراق دموکراتیک، فدرال و چند فرهنگی می شد و می توانست حقوق همه اقلیتها و ساکنان عراق و همبستگی میان آنها را تقویت بکند و مورد حمایت قرار بدهد. در قالب یک سیستم فدرال و دموکراتیک یک فرهنگ و یا یک گروه نمی تواند بر بقیه تحکم بکند و آنها را تحت سیطره خود قرار بدهد آنچنان که در دوره نظام بعث وجود داشت. در آن دوره همه حقوق و آزادی های اساسی مورد نفی و انکار واقع می شد و تمامی منافع و منابع در دست یک گروه خاصی متمرکز شده بود. هر گونه مطالبه حق از جانب کردها، ترمانها و شیعیان با درنده ترین شیوه ممکن پاسخ داده می شد. کردها و شیعیان را به بهانه اینکه با ایران ارتباط داشتند مورد هجوم قرار می داد و از حقوق خود محروم می ساخت و شهروندی و تابعیت را از آنها سلب می کرد. در این نگرش جدید چنین چیزی دیگر ممکن نبود و عراق به مکانی برای استفاده از سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک و کشتار جمعی علیه شهروندان خود تبدیل نمی شد.

پس از سقوط صدام حسین و رژیم بعث در ۲۰۰۳ و بر اساس قانون اساسی عراق در سال ۲۰۰۵ نظام حکمرانی در عراق رسماً تغییر یافت و به جمهوری فدرال عراق تبدیل شد و کردها هم توانستند یک اقلیم فدرالی را تحت عنوان اقلیم کردستان عراق تأسیس بکنند اگرچه همه مناطق کردنشین را در برنگرفته است.

۲- اقلیتهای اقلیم کردستان

اقلیتها به عنوان یک واقعیت اجتماعی، تاریخ کهنی دارند و به عنوان یک مسئله در اکثر دولتهای مدرن از لحاظ سیاسی و حقوقی نمود پیدا کرده است. (آرت لیبهارت ۲۰۰۶: ۷) اما در قالب هر نظام سیاسی بر اساس قانون اساسی و قوانین ملی آن را مورد ملاحظه قرار گرفته است. در بخش شی از دولتهای اروپایی و غربی مانند کلنادا به عنوان نمونه هایی از جوامع دارای فرهنگهای مختلف این روند پیشرفتهای چشمگیری داشته و حقوق اقلیتها به رسمیت شناخته شده است. اما اگر این موضوع در عراق و اقلیم کردستان عراق مورد بررسی واقع شود یک نمونه عملی از این وضعیت دیده می شود.

ساکنان اقلیم کردستان عراق مانند دیگر کشورهای جنوب غربی آسیا، دارای یک جمعیت غالب و ویژگی های مختص به خود هستند. علیرغم این وضعیت، در نتیجه پیوند و ارتباط و تعامل و مرگ و تولد تغییرات دیگری نیز اتفاق افتاده است. در طول این سالهای اخیر تعداد جمعیت اقلیم کردستان هر سال افزوده شده و ساختار ملی و قومی در اقلیم کردستان متنوع شده و متکثر گردیده است که شامل الف) کردها به عنوان اکثریت، ب) ترکمن، ج) سریان، د) ارمنی و ه) دیگر گروهها می باشد. (عبدالله غفور ۲۰۰۷: ۱۶-۱۳).

بدیهی است که در گذشته نحوه برخورد و تعامل با کردها و دیگر اقلیتها در عراق شامل سیاست انکار و تلاش و برای محو و نابودی و پاکسازی و آسمیله کردن و همچنین کوچ اجباری و به حاشیه راندن آنها در همه زمینه ها بوده است. اما پس از تأسیس حکومت اقلیم کردستان از سال ۱۹۹۲ به عنوان یک ساختار دفاکتو و بعدها نیز بر اساس قانون اساسی ۲۰۰۵ عراق به عنوان یک اقلیم و ایالت به رسمیت شناخته شده، حقوق اقلیتها به عنوان یک مسأله سیاسی و حقوقی مورد توجه قرار گرفت.

آنچنان که اشار گردید در اقلیم کردستان عراق چندین اقلیت وجود دارند که دارای هویتها و ویژگی های مختص به خود و منحصر می باشند که آنها را از جمعیت غالب کردستان مجزا و متفاوت می کند. به گونه ای که می توان آنها را به عنوان یک اقلیت مورد توجه قرار داد. اگر بخواهیم قانون اقلیم کردستان به عنوان یک قانون اساسی پیشرفته و مترقی، شکل بگیرد بایستی یک نگرش فلسفی و حقوقی به تئوری و مفهوم شهروندی وجود داشته باشد که شهروندی چندفرهنگی می تواند یکی از آنها باشد. اقلیتها و فرهنگهای اقلیم کردستان که شامل اقلیتهای ملی، مذهبی و دینی و زبانی و نژادی و فرهنگی هستند که در قوانین مختلفی در اقلیم کردستان عراق مورد توجه قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده اند. این قوانین در ادامه مورد بررسی قرار می گیرند.

۲-۱- جایگاه قانونی اقلیتها

در اقلیم کردستان نزدیک به ۳۰ سال است که یک ساختار سیاسی حکمرانی ایجادشده است. اما به دلیل عوامل سیاسی و فلسفی و جها بینی متفاوت و متنوعی که وجود دارد فاقد یک قانون اساسی مستقل برای خود می باشد که بتوان در آن حقوق اقلیتها را شناسایی و مورد حمایت قرار داد. اما در عین حال در قوانین عادی دیگر حقوق و آینده اقلیتهای کردستان تا حدودی مورد حمایت قرار گرفته و می توان نسبت به آینده آنها خوشبین بود. از لحاظ عملی و میدانی نیز حقوق آنها به سوی محقق شدن و عینیت یافتن سوق پیدا کرده است. قوانین مرتبط با این موضوع در ادامه مورد بررسی قرار می گیرند.

۲-۱-۱- قانون حمایت از حقوق اقلیتهای اقلیم کردستان

پارلمان کردستان در راستای حمایت و تضمین حقوق سیاسی و مدنی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی اقلیتها و برای تضمین روح همزیستی مسالمت آمیز و احترام و صلح میان شهروندان اقلیم کردستان اقدام به وضع قانون شماره ۵ سال ۲۰۱۵ مربوط به قانون حمایت حقوق اقلیتهای کردستان عراق نموده است که از سه بخش و نه ماده تشکیل شده است.

در بند دوم ماده یک اعلام گردیده است که اقلیتها شامل گروههای ملی ترکمن، کلدان، سریانی، آشوری و ارمنی و اقلیتهای دینی و مذهبی شامل مسیحی، ایزدی، صابئی مندائی، کاکه ایی، شبک، فه یلی، زرتشتی و گروههای دیگر هستند که شهروند اقلیم کردستان می باشند. در بند یک ماده ۳ مقرر گردیده است که حکومت بایستی حقوق برابر و فرصتهای یکسان و برابر در خصوص حیات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را از طریق قانون و سیاستهای مؤثر برای افراد متعلق به گروههای اقلیت را تضمین کند. همچنین حق مشارکت در ارتباط با تصمیم سازیهای مرتبط با خود را دارا می باشند و حکومت باید این حق را تضمین کند. بند دو همان ماده بیان داشته است که تمامی اشکال تبعیض علیه اقلیتهای اقلیم کردستان بوده و ناقض این امر به موجب قوانین

قابل اعمال بازخواست و مجازات می شود. در بند ۸ ماده ۲ نیز مقرر گردیده است که حکومت باید سستی در دانه‌های اقلیم کردستان و مراکز آموزش عالی و مؤسسات آموزشی، تأسیس و راه‌اندازی گروه‌های تحصیلی و دیپارتمان‌های ویژه زبان اقلیتها را بر اساس نیاز آنها تضمین کند. در بند یک ماده ۶ اعلام شده است که حق مشارکت اقلیتها در قانونگذاری و اجرای قوانین در اقلیم کردستان بر اساس قوانین قابل اعمال و قوانین جاری، تضمین شده است. در بند دوم همین ماده آمده است که در مناطقی که اکثریت غالب ساکن آن اقلیتها می باشند، حق اداره دستگاههای اداری و دولتی را بر اساس قانون دارا می باشند.

این موضوع حائز اهمیت می باشد که در پارلمان اقلیم کردستان برای اولین بار قانونی با این مضمون تصویب گردیده است که با حضور نمایندگان اقلیم کردستان و نمایندگان اقلیتها و رأی مثبت همه آنها این قانون مصوب گردیده است. غیر از مواد مورد اشاره فوق، موارد دیگری نیز در این قانون بین گردیده است که اهمیت چشمگیری دارد. آنچه که در این قانون می تواند مورد توجه واقع شود این است که همه اقلیتهای دینی و مذهبی و ملی به رسمیت شناخته شده اند. اما مهمتر از این موضوع این است که بایستی این قوانین برای اقلیتها در اجرا نیز به همان صورت عملی و اجرایی گردند.

۲-۱-۲- قانون انتخابات پارلمان اقلیم کردستان

در قانون انجمن ملی کردستان عراق شماره ۱ سال ۱۹۹۲ در ماده ۳۶ بند ۳ اعلام گردیده است که هر لیستی که میزان ۷٪ آرا را به دست نیاورده باشد نمی تواند به عنوان نمایندگی انجمن آن را تلقی نمود و آرای آن را بر اساس آرای لیستهای برنده به ازای نسبت آرای کسب شده هر یک از آنها تقسیم و به آرای آنها افزوده می گردد. این ماده سبب شده است که اقلیتها اقلیم کردستان نتوانند در انتخابات پارلمان موفق بشوند. اما پارلمان اقلیم کردستان در سال ۲۰۰۹ قانون شماره ۲ سال ۲۰۰۹ در مورد اصلاحیه چهارم قانون انتخابات انجمن ملی کردستان را تصویب نمود و بر اساس ماده ۸ این قانون، ماده ۳۶ مکرر را برای این قانون اضافه نمود و به همین ترتیب قانون به این شکل تغییر یافت: بند اول: ۵ کرسی برای کلدان، آشوری، سریانی اختصاص می یابد که رقابت بر سر این کرسیها فقط مربوط به این گروههای اقلیت می باشد. بند دوم: ۵ کرسی به ترکمنها اختصاص می یابد که نامزدهای این گروه فقط در میان این گروه رقابت می کنند. بند سوم: یک کرسی به ارمنیها اختصاص می یابد که نامزدهای این گروه برای این کرسی رقابت می کنند. بند چهارم: رأی دهندگان این گروههای اقلیت نمایندگان گروههای خود را برای کرسیهای مذکور انتخاب می کنند.

بر اساس همین ماده ۱۱ کرسی پارلمان برای اقلیتهای ترکمن و کلدانی و سریانی و آشوری و ارمنی تضمین شده است. در اینجا اگر بر اساس معیار جمعیتی اقلیتها را مورد ارزیابی قرار بدهیم که آیا جمعیت ترکمنها کلدانها و آشوریها و سریانیها در اقلیم کردستان به اندازه ای می باشد که باید برای هر کدام از آنها ۵ کرسی در نظر گرفت یا خیر؟ از طرفی دیگر نیز، همه شهروندان اقلیم کردستان می توانند به کاندیداهای این گروهها رأی بدهند و هیچ مکانیسمی برای این موضوع در نظر گرفته نشده است که فقط افراد این اقلیتها به نامزدهای خود رأی بدهند و رقابت مشخصی در این زمینه وجود ندارد. چون در بند ۴ این ماده مکانیسمی برای این کار در نظر گرفته نشده است. بنابراین عدم وجود یک سازوکار قانونی در این زمینه این گمان را ایجاد می کند که این اقلیتها حق واقعی

خود را بر اساس نسبت جمعیتی خود در اقلیم کردستان به دست نیاورند. به عبارتی دیگر، امکان این وجود دارد که در این زمینه انحراف صورت گیرد و در نتیجه زد و بندهای سیاسی تعلق خاطر نامزدهای گروهها به نفع یک گروه دیگر مورد سوءاستفاده واقع شود و حقوق اقلیتها در میانه این زدوبندها میان نامزد اقلیت و گروههای سیاسی درگیر قربانی شود و به مصالح گروههای سیاسی دیگر به ویژه گروه اکثریت به کار گرفته شوند. در نتیجه می تواند نتیجه ای خلاف آنچه که منظور این قانون است اتفاق بیافتند و میان قانون و عمل و نتیجه تفاوتهای زیادی وجود داشته باشد.

۲-۱-۳- قانون انتخابات انجمن استانها

پارلمان اقلیم کردستان در قانون شماره ۴ سال ۲۰۰۹، قانون انتخابات انجمنهای استانها و شهرستانها و بخشها را تصویب نمود. در ماده ۳۲ مکرر بند ۱ مقرر نموده است که در انجمنهای استانی استان دهوک دو کرسی برای کدانی و آشوری و سریانی اختصاص می یابد که کاندیداهای این اقلیتها فقط با خود رد این زمینه رقابت می کنند. در بند ۲ بین شده است که در انجمن استانی دهوک یک کرسی برای ارمنی ها اختصاص یافته و نامزدهای این گروه فقط میان خود بر سر آن رقابت می کنند. در بند ۳ نیز آمده است که در انجمن استانی استان سلیمانیه، یک کرسی برای کدان و سریای و آشوری اختصاص می یابد و نامزدهای این گروهها فقط میان خود بر سر آن رقابت مباح کنند و در بند ۴ همین ماده نیز مقرر گردیده است که برای انجمن استانی استان اربیل دو کرسی به گروه اقلیتی کدان و سریانی و آشوری و سه کرسی نیز برای ترکمنها در نظر گرفته می شود که فقط میان نامزدهای این گروهها بر سر این کرسیها رقابت انجام می شود.

بر اساس این قانون در سه استان دهوک و سلمیانیه و اربیل در اقلیم کردستان عراق، در انجمنهای استانی برای اقلیتهای ملی کرس های ویژه آنها در نظر گرفته شده است اما به علت اینکه آما دقیقی از شهروندان و ساکنان و میزان جمعیت اقلیتها در دسترس نمی باشد در این زمینه نیز مانند قانون انتخابات پارلمان اقلیم کردستان همان کاستی ها به چشم می خورد و امکان انحراف در آن نیز وجود دارد.

۲-۱-۴- قانون کمیسیون عالی مستقل انتخابات و همه پرسی

در قانون شماره ۴ سال ۲۰۱۴ مربوط به قانون کمیسیون عالی مستقل انتخابات و همه پرسی در ماده ۵ بند ۱ اعلام گردیده است که انجمن کمیساریا از ۹ عضو تشکیل می شود که از طرف پارلمان با رأی اکثریت مطلق اعضای پارلمان، پس از آنکه از جانب یک هیأت ویژه نامزد شدند، انتخاب می شوند. این هیأت ویژه را پارلمان انتخاب می کند و شرط آن این است که دو نفر از اعضای آن باید از اعضای کمیسیون حقوقی باشند و همچنین نمایندگی زنان و اقلیتها نیز در آن مدنظر قرار گرفته باشد و مدت مأموریت انجمن نیز ۵ سال می باشد.

بدیهی است که در این متن واژه اقلیتها مانند دیگر اقشار جامعه مانند زنان و دیگر گروهها هم تثبیت شده است. بر اساس این قانون، بایستی اقلیتهای اقلیم کردستان در این کمیسیون نمایندگی داشته باشند و نمایندگی آنها در کمیسیون عالی و مستقل

انتخابات و همه پرسی تضمین شده باشد. سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که این اعضا چگونه مشخص می شوند و چگونه بایستی نماینده واقعی اقلیتهای خود در اقلیم کردستان باشند؟

۲-۱-۵- قانون زبانهای رسمی اقلیم کردستان

زبان، موجودیت یک ملت را اثبات می کند و هر اندازه زبان در گفتگو و خواندن و نوشتن مورد استفاده قرار بگیرد، بیشتر توسعه می یابد و ر شد می کند و بر خلاف آن نیز صادق بوده و هر اندازه ممنوع شود و یا مورد استفاده قرار نگیرد نماد ملی بودن تضعیف و متزلزل می گردد و در نهایت رو به اضمحلال و نابودی می رود. (طارق جامباز ۲۰۰۵: ۶۷)

پارلمان اقلیم کردستان عراق در قانون شماره ۶ سال ۲۰۱۴، قانون مربوط به زبانهای رسمی در اقلیم کردستان عراق را به تصویب می رساند. در ماده ۲ آمده است که کردی و عربی زبانهای رسمی سراسر عراق می باشند و در اقلیم کردستان نیز زبان اصلی کردی می باشد. اما در ماده ۳ عنوان نموده است که در اقلیم کردستان عراق زبان اقلیتهای دیگر، ترکن و سریانی و ارمنی در واحدهای اداری خود آنها و هر گاه که لازم باشد در کنار زبان کردی، زبان رسمی می باشند.

بر اساس این قانون، از لحاظ زبانی فقط به اقلیتهای ترکنی و آسوری و ارمنی اشاره شده است که اقلیتهای ملی می باشند اما در مورد ادیان و مذاهب صحبتی به میان نیامده است. در کنار این نیز عنوان می نماید که «هرگاه که لازم باشد» که می تواند ناشفاف بوده و معیاری نیز برای این ضرورت و زمان آن ارائه نشده است و می تواند تفاسیر متفاوتی را به دنبال داشته باشد و بر اساس نگرشهای متفاوت ابعاد و آثار مختلفی داشته باشد.

۲-۱-۶- قانون وزارت اوقاف و امور دینی اقلیم کردستان

در قانون شماره ۷ سال ۱۹۹۲ مربوط به قانون اوقاف و امور اسلامی اشاره ای به اقلیتها و یا گروههای دینی و مذهبی دیگری نشده است. اما این قانون نسخ گردید و قانون شماره ۱۱ سال ۲۰۰۷ تحت عنوان قانون وزارت اوقاف و امور دینی در اقلیم کردستان به جای آن تصویب گردید. در ماده ۳ بند ۹ این قانون عنوان گردیده است که داره کل دین مسیحی توسط یک مدیر کل اداره می شود که دارای مدرک دانشگاهی باشد و در این زمینه مسلط و متخصص باشد. در بند ۱۰ همین ماده آمده است که اداره کل دین ایزدی توسط یک مدیر کل اداره می شود که دارای مدرک دانشگاهی بوده و همچنین در این زمینه دارای تسلط و تخصص باشد.

بر اساس این قانون فقط دو اداره کل تعریف شده است که مربوط به اقلیتهای ایزدی و مسیحی می باشد و وزارت اوقاف و امور دینی در اقلیم کردستان امور دینی این دو گروه را مدیریت می کنند. اما به موجب قانون شماره ۵ سال ۲۰۱۵ که در بند ۲ ماده ۱، دین و مذهب را تعریف می کند و مقرر می دارد که صابئی مندائی، کامه ای، شبک، فیلی، زرتشتی و دیگر مذاهب به عنوان اقلیت در اقلیم کردستان وجود دارند و بایستی در این راستا قوانین بازنگری شوند و امور آنها به موجب قانون تنظیم گردد.

۲-۱-۷- قانون وزارت فرهنگ اقلیم کردستان

انجمن ملی کردستان عراق قانون شماره ۱۱ سال ۱۹۹۲ مربوط به وزارت فرهنگ را تصویب نموده است که در این قانون هیچ اشاره ای به اقلیتها نشده است. اما پارلمان اقلیم کردستان سال ۲۰۱۰ قانون شماره ۱۴ مربوط به وزارت فرهنگ و جوانان اقلیم کردستان عراق را تصویب نمود که در ماده ۳ در بندهای ۶ و ۷ اعلام می دارد که اداره کل امور فرهنگ و هنر ترکمن، اداره کل امور فرهنگ و هنر سریان تأسیس می شود. در این قانون هیچ اشاره ای به اقلیتهای دیگر غیر از این دو گروه نشده است. بهتر است که در این زمینه نیز قوانین بازنگری و دیگر اقلیتها هم مورد توجه واقع شوند و خلأها و کاستی ها برطرف گردند.

۲-۱-۸- قانون وزارت آموزش و پرورش اقلیم کردستان

در مورد زبان آموزش و تحصیل در اقلیم کردستان در وزارت آموزش و پرورش اقلیم کردستان، بر اساس قانون وزارت آموزش و پرورش به شماره ۴ سال ۱۹۹۲ این موضوع تنظیم گردیده است و در بند ۴ ماده ۴ این قانون اعلام گردیده است که زبان اقلیتها به عنوان زبان آموزش، در سطح ابتدایی برای مدارس دخترانه و پسرانه در مناطقی که اقلیتها در آن سکونت دارند تعیین می گردد به شرطی که زبان کردی هم در آن الزامی باشد. اما این قانون اصلاح شد و بر اساس قانون شماره ۱۵ سال ۲۰۰۶ اصلاحیه دوم برای قانون وزارت آموزش و پرورش مصوب شماره ۴ سال ۱۹۹۲، تصویب گردید و بر اساس بند ۴ ماده ۴ اصلاحیه این قانون مقرر گردیده است که زبانهای ترکمنی، سریانی، ارمنی می تواند به عنوان زبان آموزش در مناطقی که گوید شوران این زبانها اکثریت ساکنان را تشکیل می دهند تعیین شود به شرطی که بر اساس ضوابط آموزشی آموزش زبان عربی و کردی نیز الزامی باشد.

۲-۱-۲- اقلیتها به رسمیت شناخته شده

اقلیتها در اقلیم کردستان عراق به طور کلی دو دسته هستند و به عبارتی می توان آنها را در دو دسته طبقه بندی نمود: نخست گروههای ملی که شامل ترکمن و کلدنی و سریانی و آشوری و ارمنی می باشند و دوم، گروههای دینی و مذهبی که شامل ایزدی، صابئی مندائی، کاکه ای، شبک، فیلی، زرتشتی و دیگر و گروهها می باشد. این ساختار موزاییکی گروههای مختلف در اقلیم کردستان عراق تا چه میزان از لحاظ وجود واقعی آنها برای گروههای متفاوت دارای اهمیت می باشد از لحاظ حقوق داخلی هم به همان اندازه دارای اهمیت می باشد و ضرری است که امور آنها بر اساس مقررات حقوقی تنظیم شود و مورد حمایت واقع بشوند؛ به نحوی که بتوان همه حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مدنی و فرهنگی آنها را در بستر واقعی حیات محقق نمود. تا اینکه بتوانند در تعیین سرنوشت خود مشارکت و حضور مؤثری داشته باشند. بنابراین ضروری است که از این نقطه نظر به موضوع به شیوه دقیق تری نگریده شود. در این راستا قوانین مربوطه در اقلیم کردستان مورد مطالعه واقع می شوند.

- قانون حمایت از اقلیتهای اقلیم کردستان عراق شماره ۵ سال ۲۰۱۵ که در ماده ۱ بند اول اعلام نموده است که اقلیتهای ترکمن، کلدانی، سریانی، آشوری، ارمن، مسیحی، ایزدی، صابئی مندائی، کاکه ای، شبک، فیلی، زرتشتی به عنوان اقلیتهای ملی و دینی و مذهبی در اقلیم کردستان به رسمیت شناخته شده اند.
- قانون انتخابات پارلمان اقلیم کردستان عراق که عنوان نموده است که ۵ کرسی پارلمان برای کلدانی و سریانی و آشوری و ۵ کرسی برای ترکمن و ۱ کرسی برای ارمنی ها به صورت مجزا و ویژه در پارلمان کردستان تضمین شده است. این موضوع در واقع مشارکت تضمین شده و واقعی آنها در قوه مقننه می باشد.
- قانون انتخابات انجمنهای استانی که در آن به مثابه مجلسی محلی برای تصمیم گیری و نظارت بر امور خدمت رسانی عمومی در سطح استان و شهرستان و بخش، برای اقلیتها به صورت ویژه به منظور تضمین حضور واقعی آنها کرسی های ویژه اختصاص داده شده است. در استان دهوک برای اقلیت کلدانی و آشوری و سریانی ۲ کرسی و ۱ کرسی هم برای اقلیت ارمنی، در استان سلیمانیه برای اقلیتهای کلدانی و آشوری و سریانی ۱ کرسی و در استان اربیل نیز برای کلدانی و آشوری و سریانی ۲ کرسی و برای ترکنها هم ۳ کرسی اختصاص داده شده است.
- قانون کمیسیون عالی و مستقل انتخابات و همه پرسی که از ۹ عضو تشکیل شده است و نمایندگی اقلیتها را هم در خود جای داده است که در آن نمایندگی اقلیتهای مسیحی و ترکمن به صورت ویژه در نظر گرفته شده است و بر اساس قانون این امر تضمین شده است. در این قانون نیز نمایندگی خاض برای گروه اقلیت اختصاص داده شده است.
- قانون زبانهای رسمی اقلیم کردستان عراق زبان اقلیتهای ترکمن سریانی و ارمن را در قالب ادارات مناطق محل سکونت این اقلیتها در کنار زبان کردی به عنوان زبان رسمی اعلام نموده است.
- قانون وزارت اوقاف و امور دینی اقلیم کردستان عراق امور ادیان مسیحی و ایزدی را در قالب یک اداره کل به هر یک از دارندگان این ادیان محول نموده است و یک اداره برای هر کدام از آنها تأسیس نموده است.
- قانون وزارت فرهنگ در اقلیم کردستان عراق برای هر یک از اقلیتهای ترکن و سریانی نیز یک اداره کل در نظر گرفته است.
- وزارت آموزش و پرورش اقلیم کردستان زبان اقلیتهای ترکن و سریانی و ارمنی را به عنوان زبان تحصیل در مناطقی که اکثریت ساکنان آن از گویشوران این زبانها هستند تعیین نموده است.
- نهایتاً می توان به این نتیجه راه یافت که هر یک از اقلیتهای ملی و دینی و مذهبی در اقلیم کردستان بر اساس نسبت جمعیت خود در فرایند قانونگذاری و اجرای قوانین نظارت بر آن ایفای نقش می کنند و حضور آنها به موجب قانون تضمین شده است. در قوه قضائیه موضوع به گونه دیگری است. در این خصوص می توان گفت با توجه به استقلال قضایی در اقلیم کردستان عراق به عنوان یکی از سه قوای حکمرانی در این منطقه اشاره به موضوع اقلیتها نشده است و اصولاً ملیت و دین و مذهب در آن دخالتی ندارد و بر اساس مناسبات حزبی و اجتماعی و فرهنگی اداره نمی شود. غیر از ذات قانون موضوع دیگری در آن دخالت داده نمی شود.

تفاوت در ساختارهای اجتماعی و گروهها و تنوع آنها از لحاظ ملی، نژادی، دینی و مذهبی، فرهنگی و ... امری کاملاً طبیعی است اما گاهی تفاوت میان این ویژگیها زیاد می شود و گستره تفاوتها به صورت چشمگیری زیاد می شوند به نوعی که این تفاوتها تبدیل به نابرابری و ناهمسانی می شود و بر اساس گزارشهای توسعه انسانی که سازمان ملل متحد منتشر می کند اینگونه توصیف شده است که تفاوت مجموعه ای از مفاهیم در یک ارزش معین به شرطی که آن تفاوت هیچ نوجیهی نداشته باشد، منظور از نبود توجیه هم این است که نتیجه مداخله از سان باشد برای تغییر طبیعت موضوعات و اهمیت به یکی از آنها و به فراموشی سپردن یکی دیگر از آنها.

بدیهی است که نادیده گرفتن، یک واقعیت تاریخی می باشد اما پدیده کنار گذاشتن و نادیده گرفتن در جامعه انسانی یک پدیده جدیدی است. چون این پدیده و مفهوم آن دو موضوع هم زمان نیستند بلکه مفهوم به حاشیه راندن^۳ و یا مارژینالیزه کردن نشأت گرفته از دوران مدرن می باشد که در دهه دوم قرن بیستم نمود پیدا کرده و از همان موقع چهارچوب و ساختار آن تحولات زیادی را طی نموده است و خوانش های مختلفی از آن به عمل می آید که از انسان به حاشیه رانده شده به موضع گیری به حاشیه راندن جوامع و گروههای به حاشیه رانده تغییر چهره داده است. اگر این مفهوم برای اشاره به رقابت و تنش های فرهنگی در دولتهای غربی اشاره داشته باشد، در پژوهشهای انجام شده پیرامون جهان سوم، برای شناسایی پدیده های غامض مورد استفاده واقع شده است. این نیز نتیجه فرایند مدرنیزاسیون سریعی است که باید آن را در وضعیت اقلیت ها در ارتباط با درجه بندی های شهروندی خلاصه نمود که درجه بندیهای اجتماعی در آن صورت می گیرد و نمایانگر وضعیتی است که اقلیت در آن به میزان بسیار زیادی انکار می شود و به حاشیه رانده می شود. ضروری است که بر روی نظام حقوقی در چنین جوامعی تأکید شود تا به مثابه پیکری برای این تحقیق بتوان به عراق و اقلیم کردستان عراق به عنوان نمونه اشاره کرد و آنچنان که در قانون اساسی عراق و قوانین دیگر در عراق و اقلیم کردستان عراق به آنها پرداخته شود این موضوع مورد کنکاش واقع شود.

۳. Marginality

نتیجه گیری

پس از انجام این پژوهش نتایج زیر حاصل شد و انعکاس آن در حمایت از حقوق اقلیتها در اقلیم کردستان عراق به شرح زیر می باشد:

احترام به تفاوتها می تواند از قانون اساسی هر دولتی آغاز شود و به همه قوانین و بخشنامه ها و مقررات و دیگر تصمیمات عمومی نیز تفسیری یابد، اقلیم کردستان دارای موزاییک رنگارنگی از هویتها و فرهنگهای متفاوت هستند و این فرهنگها بدون دخالت نهاد قدرت در طول تاریخ در صلح با هم همزیستی داشته اند و اگر دخالت قدرتهای نامشروع و اشغالگران نبود و یا اینکه قدرتهای منطقه ای و جهانی در پی کسب منافع خود در امور این مردمان دخالت نمی کردند ارتباط میان این فرهنگها همچنان مسالمت آمیز می بود. بنابراین ضروری است که این تفاوتها در قوانین اساسی عراق و اقلیم کردستان به رسمیت شناخته شود. عراق و اقلیم کردستان خود قربانی انواع و اقسام نسل زدایی ها و پاکسازی های قومی و مذهبی شده اند بایستی این موضوع را در قوانین اساسی و دیگر قوانین عادی مدنظر قرار بدهند که همه شهروندان تحت حمایت باشند و با مدنظر قرار دادن ویژگی های متمایز آنها، هویتها متمایز نیز به رسمیت شناخته شوند. این مهم میسر نمی شوند مگر اینکه در قانون و در عمل به نظریه شهروندی چندفرهنگی پایبندی وجود داشته باشد.

با تکیه بر قانون اساسی ۲۰۰۵ عراق و قوانین اقلیم کردستان که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفتند می توان گفت که چند فرهنگی در عراق و اقلیم کردستان در قوانین به رسمیت شناخته شده است و در حوزه دینی و مذهبی و ملی و زبانی این موضوع مدنظر قرار گرفته است. بنابراین می توان این اقدام را به عنوان مبنایی برای تثبیت دموکراسی توافقی میان گروهها و فرهنگهای متفاوت که از لحاظ عملی بیشتر ائتلاف و هم پیمانی انتخابی می باشد به عنوان یک مرحله گذار تا زمانی که یک عطف ریشه ای اجتماعی و توسعه سیاسی تلقی نمود که در سطح فردی در نظریه و مفهوم شهروندی می تواند تبیین شود.

١. احمد رفيق كريم، المناطق المتنازعة عنها الأقليم كردستان، دراسة لجغرافية السياسية، (٢٠١٤)، مركز الدراسات الإستراتيجية.
٢. آرنه ليههارت (٢٠٠٦) ترجمة: حسنى زينه، الديمقراطية التوافقية فى مجتمع متعدد، ط ١، معهد الدراسات الاستراتيجية-الفرات للنشر والتوزيع، بغداد.
٣. جيزه ويلر، (١٩٦٤)، جغرافية العالم الاقليمية اوروبا و الاتحاد السوفياتى، ت: محمد حامد، منشورات دار مكتب الحياة، بيروت.
٤. جلال طالبانى، (١٩٧١)، كردستان والحركة القومية الكردية، دار الطليعة للطباعة والنشر، بيروت.
٥. داود مراد حسين الدوادى (٢٠١٣)، الأنظمة السياسية، الطبعة الاولى، مطبعة كمال، اقيم كردستان العراق.
٦. ديفيد اندروس، ترجمة: محمد حمه صالح توفيق، الشعوب المظلومة فى الشرق الأوسط، مطبعة رنج، الطبعة الأولى، العراق-السليمانية.
٧. روحى، عباد (١٣٩٤). نقش حاكميت قانون در حمايت از حقوق بشر و تقويت آن. دانشگاه آزاد اسلامى واحد علوم و تحقيقات تهران (اصفهان). پايان نامه دوره دكتورى حقوق بين الملل عمومى.
٨. شاكر خصباك، (١٩٨٣)، الفكر الجغرافى تطوره وطرق بحثه، مطبعة جامعة بغداد.
٩. شه مال عبدالله: العراق الجديد، (٢٠٠٥)، منشورات مكتب الفكر والوعى الاتحاد الوطنى الكوردستانى، العراق-السليمانية.
١٠. طارق جامباز (٢٠٠٨)، التطهير العرقى-تغير القومية، ط ٦، مطبعة شهاب، اربيل - العراق.
١١. على الوردى: شخصية الفرد العراقية، ترجمة: گهرميان محمد، (٢٠١٩)، مطبعة گه ننج، الطبعة الثانية، العراق-السليمانية.
١٢. عبدالله غفور: المكون القومى لسكان جنوب كردستان- حسب التعداد السكانى للعراق سنة ١٩٩٧، ٢٠٠٧، التبعة الثانية، مطبعة مؤسسة نارس، العراق - اربيل.
١٣. قانون رقم (١٦) قانون الإدارة المالية الاتحادية لسنة ٢٠١٩.
١٤. قانون رقم (٢٣) لسنة ٢٠٢١ ((الموازنة العامة الاتحادية لجمهورية العراق لسنة ٢٠٢١)).
١٥. نوشيروان مصطفى: الكورد والعجم - التاريخ سياسى الكورد الأيران، مركز السليمانية للدراسات الأستراتيجية، ٢٠٠٥.

١٦. Ulrike Barten (٢٠١٥), Minorities, Minority Rights and Internal Self-Determination. New York: Springer.